

مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی در انفال

غفور خوثینی*

سعید کریمی**

تاریخ وصول: ۹۲/۱۰/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۶

چکیده

توجه به محیط زیست و حقوق مرتبط با آن مسأله‌ای نوظهور است، تا جایی که امروزه حقوق محیط زیست، از زمره حقوق اساسی و بنیادین بشر به حساب می‌آید. دغدغه حفاظت از محیط زیست، بشر را به تدوین مقررات در سطح بین‌المللی واداشته است. اهمیت محیط زیست، به حدی است که هرچند معیار تقصیر، به عنوان یک ضابطه تمام عیار در مسئولیت مدنی مورد توجه حقوقدانان و قانونگذاران بوده است، اما با این حال، این امر به سمت «مسئولیت محض» سوق یافته است. نظام سنتی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، در حوزه آلودگی‌های زیست محیطی جامعیت و کارایی مطلوب را ندارد؛ زیرا بسیاری از مصادیق خسارت‌های زیست محیطی با مبنای تقصیر، در اثبات با مشکلات مواجه می‌شود. در نظام حقوق اقتصادی اسلام، انفال به عنوان مهمترین رهیافت محیط زیست، در تصرف دولت اسلامی است. لذا بررسی مسئولیت دولت از یک سو، با عنایت به نارسایی‌های فنی و تکنولوژیک آن اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، ایران به برخی از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی پیوسته است و با توجه به نواقص نظام مسئولیت مدنی سنتی ضروری است که قوانین و مقررات روزآمد و متناسب با تحولات بین‌المللی در زمینه حفاظت و حمایت از محیط زیست با تغییر مبنای مسئولیت از تقصیر به محض تدوین شود.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، مسئولیت محض، تقصیر، جبران خسارت، لاضرر.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم جوامع بشری، تأمین محیط زیست مناسب، برای زندگی سالم است، تا افراد و جوامع از رفاه مادی و آرامش روحی بهره‌مند گردند (آملی، ۱۳۹۰: ۶۶). در اغلب ادیان آسمانی حفظ حرمت محیط زیست و حراست و پاسداشت آن مورد تأکید قرار گرفته است.

تحولات اجتماعی و گذار از سنت به مدرنیته، اقتضائات و ضروریاتی را برای انسان معاصر پدید آورده است، این امر در ساختارها، مقررات و سبک زندگی جدیدی را مطالبه می‌کند. واقعیت اجتناب‌ناپذیر آن است که محیط زیست انسانی و طبیعی در معرض تخریب و آلودگی‌های متنوع و بنیادین قرار گرفته است. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نظام سنتی مسئولیت مدنی، که مبتنی بر نظریه تقصیر است کارایی لازم را برای حمایت از محیط زیست دارد؟ آیا مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌ها و خسارت‌های وارده به محیط زیست را باید با همان رهیافت‌های پیشین و در گستره حقوق خصوصی در نظر داشت، یا این که باید آن را از حقوق اساسی دانست و در زمره حقوق عمومی مورد بررسی قرار داد؟ در فقه اسلامی، کدام دیدگاه می‌تواند مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی قرار گیرد؟

«نظریه تقصیر» که اغلب حقوقدانان به عنوان مبنای مسئولیت مدنی پذیرفته شده است، جامعیت و کارایی لازم را ندارد و بیشتر منفعلا نه و غیر پویاست (Faure and Hui, 2007: 252).

در فقه اسلامی، می‌توان با استفاده از قواعدی نظیر قاعده «لا ضرر»، برای تدوین نظریه‌ای جامع در خصوص حقوق محیط زیست بهره گرفت. این مقاله، با بررسی ایرادهای اساسی نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، درصدد تبیین این موضوع است که مبنای مسئولیت مدنی در خصوص آلودگی‌ها و خسارت‌های وارد بر محیط زیست به چه شکلی خواهد بود و آیا مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، کارایی و جامعیت لازم را برای این امر دارد؟ و هم‌چنین الحاق ایران، به کنوانسیون‌های زیست محیطی، چه استلزاماتی را برای دولت پدید می‌آورد؟

مفهوم شناسی آلودگی زیست محیطی

آلودگی در لغت به معنای عمل و فعل آلوده، کثیف، لوث و جرم و گناه به کار رفته است (معین: ۸۴/۱) و در زبان انگلیسی نیز واژه pollution به معنای ناپاکی و کثیفی است (polarya, 1999: 1).

صاحب‌نظران علم محیط زیست، در تعریف آلودگی زیست

محیطی^۱ آورده‌اند: آلودگی عبارت است از: هر گونه تغییر نامرغوب در خواص طبیعی انسانی یا جانوری و یا گیاهی که توأم با ضرر باشد (بوتکین، ۱۳۸۱: ۹۴۴). تعریف ذکر شده، هرچند مربوط به دانش محیط زیست است، لیکن با تعریف حقوقی آن ارتباط دارد و نشانگر آن است که علم حقوق پایه‌پای رشد و توسعه علوم زیست محیطی تحول می‌یابد و این خصیصه یکی از ویژگی‌های حقوق محیط زیست است.

مفهوم آلودگی زیست محیطی در حقوق ایران

در حقوق ایران، ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ (و اصلاحیه ۱۳۷۱) آلودگی محیط زیست را چنین تعریف کرده است: منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا بیولوژیکی آن را به طوری که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. همین تعریف، با اندک تغییر در تبصره ۲ ماده ۹۲۰ قانون مجازات اسلامی آورده شده است در آن ماده مقرر شده است که: منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

مفهوم آلودگی زیست محیطی در اسناد

بین‌المللی

اشاره به اسناد بین‌المللی، از آن جهت اهمیت دارد که اولاً آلودگی، صرفاً محدود به مرزهای یک کشور نمی‌شود و به سایر کشورها نیز تسری می‌یابد. ثانیاً دولت‌ها در قبال آلودگی‌های فرامرزی و تغییرات آب و هوایی تعهدات بین‌المللی دارند که ایران نیز با پیوستن به این کنوانسیون‌ها، نظیر: کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی تعهداتی را پذیرفته است.^۲ در عرصه بین‌الملل، به تعریف آلودگی محیط زیست توجه جدی شده است. کنوانسیون ۱۹۷۲ اسلو و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و کنوانسیون مسئولیت ناشی از آلودگی‌های نفتی مصوب ۲۰۰۵ محیط زیست را چنین تعریف کرده‌اند:

«آلودگی محیط زیست دریایی یعنی واردکردن مستقیم یا

1. Environmental Pollution

۲. دولت ایران در سال ۱۳۸۵ به این کنوانسیون پیوسته است و در سال ۱۳۸۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

برعهده داد و یا اینکه ناشی از نوعی غفلت و سهل انگاری و کوتاهی در انجام عملی خواهد بود.

معیار تقصیر

در فهم اینکه معیار تشخیص تقصیر، نوعی و یا شخصی است اختلاف نظر وجود دارد. با مطالعه نظر حقوقدانان می‌توان نظریه نوعی و عرفی بودن تقصیر را برگزید. در رأی صادره به شماره ۱۰۳۱ مورخ ۱۳۲۰/۳/۳۱ شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور نیز مبنای نوعی بودن تقصیر مورد لحاظ قرار گرفته است (دفتری: ۲۴۵).

بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی ایران، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را به عنوان اماره تقصیر در مسئولیت مدنی پذیرفته است: «در صورتی که فوت یا صدمات بدنی ناشی از تصادم باشد، فرض بر این است که حادثه بر اثر تقصیر یا غفلت متصدی حمل یا مأموران اتفاق افتاده است، مگر آن‌که خلاف آن ثابت گردد». در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نیز آمده است: «مورد مسئولیت کارفرما نسبت به خسارت‌های وارده به شخص ثالث براساس فرض تقصیر است». براساس ماده ۵۲۳ و ۵۲۴ ق.م.ا. مسئولیت صاحب‌خانه، درباره نگاه‌داری سگ خانگی مسئولیت مطلق تلقی شده است. ماده ۳۳۵ ق.م. در صورت تصادم دو وسیله نقلیه و اتومبیل، فردی را که مقصر است، ضامن می‌داند. همچنین ماده یک قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۸۷ مقرر گردیده است: «کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلی متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه‌آهن، اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند، مسئول جبران خسارت بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص وارد می‌شود». تنوع رویکرد قانونگذار به موضوع مسئولیت مدنی از لابلای این مواد قابل رصد است، ولیکن عموماً نظریه غالب در حقوق ایران، در باب مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر است، اکنون این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از تخریب و یا آلودگی محیط زیست در حقوق ایران نیز می‌توان به همان نظریه تقصیر اکتفا نمود؟ و آیا مبنای مصرح در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در این زمینه کارایی لازم را دارد؟

آیا می‌توان در حقوق کشور ایران مبنای مسئولیت محض را برای تخریب و آلودگی محیط زیست در نظر گرفت؟ واقعیت آن است که قانون ایران چنین وضعیتی را روشن نساخته و نص قانونی مشخصی در این زمینه وجود ندارد. پذیرش این مبنای، به دلیل فقدان نص قانون با مشکل روبرو است.

غیرمستقیم مواد و انرژی بوسیله بشر به محیط زیست دریایی و دماغه‌ها که نتیجه احتمالی آن آثار زیان‌بار بر زندگی بشر و موجودات زنده و نیز تهدید بهداشت بشر و ایجاد مانع برای فعالیت‌های دریایی، از جمله: ماهیگیری و سایر فعالیت‌ها و استفاده‌های مجاز از دریا، آسیب‌رساندن به استفاده معقول از آب دریا و کاهش رفاه می‌باشد. در کنوانسیون بین‌المللی تجارت دریایی ۱۹۸۹ لندن و کنوانسیون اقیانوس شناسی یونسکو نیز تعاریفی شبیه تعریف کنوانسیون‌های صدرالذکر آمده است.

در بند ۱ کنوانسیون منطقه‌ای کویت، که ایران نیز بدان ملحق شده است، چنین آمده است: داخل کردن آلودگی به مواد یا انرژی در محیط زیست دریایی بوسیله انسان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم. آنچه از تعریف فوق استنباط می‌شود آن است که تغییر خواص آب دریا است که مضر به حیات زیستی دریایی است و عمد و غیرعمد بودن آلودگی تأثیری در مسئولیت آلوده کننده ندارد و مبتنی بر مسئولیت محض است. همچنین در ماده ۲ دستورالعمل کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۴ نیز آلودگی و خسارت زیست محیطی را چنین تعریف کرده است: آلودگی و خسارت به گونه‌های محافظت شده و زیستگاه‌های طبیعی که آثار نامطلوب و سوء جدی بر وضعیت حفاظت شده و تنوع زیستی می‌گذارد، آلودگی آب که تأثیر نامطلوبی بر وضعیت اکولوژیک، شیمیایی و یا کیفی و یا بالقوه بر روی آب، خسارت و آلودگی زمین که لطمه احتمالی و یا واقعی برای سلامت عمومی داشته باشد. دستورالعمل مصوب ۲۰۰۴ اتحادیه اروپا، آلودگی و خسارت زیست محیطی را شامل خسارت به آب، خاک و خسارت به گونه‌ها و زیست‌گاه‌های طبیعی دانسته است (Directive, 2004: Les).

تقصیر در حقوق موضوعه

مفهوم تقصیر

قانون مدنی در ماده ۹۵۳ تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانسته است: در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی نیز بیان شده است: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی است».

براین اساس شاید بتوان گفت: تقصیر عبارت از انجام عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی)، یا ترک عملی که شخص باید انجام بدهد (تفریط) باشد. تقصیر، با این طرز تلقی قانونگذار، اعم از تخلف از اجرای تعهدی است که شخص

مبنای مسئولیت در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

مبنای پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی برای مسئولیت مدنی زیست محیطی، مسئولیت محض است. در ماده ۴ کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی آمده است: مالک کشتی در زمان سانحه یا در موردی که سانحه متشکل از چند واقعه است، در زمان اولین واقعه، مسئول هر گونه خسارت آلودگی خواهد بود که در نتیجه سانحه کشتی به بار آید.^۱ مهمترین ایرادهای وارد بر نظام تقصیر در مسئولیت زیست محیطی، عبارتند از: اولاً ارزیابی خسارت‌های زیست محیطی بسیار دشوار است، ثانیاً اثبات رابطه آلودگی‌ها و خسارت‌های زیست محیطی مشکل و در برخی موارد غیر ممکن می‌باشد. ثالثاً قربانیان خسارت‌های زیست محیطی، انگیزه بسیار کمی برای پیگیری و مطالبه خسارت‌های زیست محیطی دارند. رابعاً در بسیاری موارد، محیط زیست مال خصوصی نیست و لذا شرط تحقق مسئولیت مدنی، یعنی نقض حقوق مالکیت فردی فراهم نیست (Shafer and ott, 2004: 241). بهره‌بردار، موظف است در اجرای فعالیت‌هایش احتیاط‌های لازم و ضروری را به‌کار گیرد. اگر بهره‌بردار، اقدامات ایمنی و مراقبتی را انجام ندهد و موجب بروز آلودگی و خسارت شود، وی مسئول به حساب می‌آید (Directive, 2004: recital6). کمیسیون اتحادیه اروپا، بهره‌بردار را این‌گونه معرفی کرده است: بهره‌بردار، فردی است که به موجب «اصل آلوده‌کننده» باید پردازد، مسئولیت دارد و لذا می‌تواند شخصی غیر از مالک باشد. بهره‌بردار می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی اعم خصوصی یا عمومی باشد که فعالیت حرفه‌ای را کنترل یا اجرا می‌کند. مقصود از فعالیت حرفه‌ای، هر نوع فعالیت که در جریان یک فعالیت اقتصادی، تجاری یا یک بنگاه انجام می‌شود، اعم از این که خصوصی یا عمومی، انتفاعی یا غیر انتفاعی باشد (Directive, 2004: article2). در حقوق داخلی نیز مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی پذیرفته شده است. در ماده ۵۸۸ قانون تجارت تصریح شده است که اشخاص حقوقی نیز دارای کلیه تکالیف و حقوقی هستند که اشخاص حقیقی دارا می‌باشند، مگر مواردی که از اساس، متعلق به اشخاص حقیقی است. هرگاه شخص حقوقی، به دیگری زبانی برساند، اعم از آن که زیان‌دیده شخص حقیقی یا حقوقی یا محیط زیست باشد، باید زیان وارده جبران شود (مستفاد از م

1. The owner of a ship at the time of an incident ,or, wher the incident consist of series of occurrences , at the time of the first such occurrence , shall be liable for any pollution damage caused by the ship as a result of the incident.

۱. ق.م.م و مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ ق.م.م). تمام اشخاص حقوقی، اعم از حقوق خصوصی و عمومی در صورت اضرار به غیر، مسئول جبران زیان خواهند بود و تفاوتی بین شخص حقوق خصوصی و عمومی از این حیث نیست (م ۱۱ ق.م.م و مواد ۲۵۵ و ۲۵۸ ق.ا.د. کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴). بنابراین، مسئولیت مدنی متوجه آسیب‌رساننده می‌باشد، اعم از این که آلودگی و خسارت توسط شخص حقیقی یا حقوقی به محیط زیست وارد آمده باشد.

دکترین در مبنای مسئولیت مدنی

برخی حقوق‌دانان، بر این باورند که «در حقوق ما، مسئولیت، اصولاً مبتنی بر تقصیر است. یعنی قانون کلی این است که شخص در صورتی مسئول زیان‌های ناشی از کار خویشتن است که مرتکب تقصیر شده باشد. بدین ترتیب، بر اساس ماده اول قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار است، ولی پذیرفتن این اصل، مانع از آن نیست که گاه مسئولیت بدون تقصیر نیز بوجود آید. نظیر زمانی که لزوم جبران ضرر نامشروعی که وارد آمده است یا به خاطر محیط خطرناکی که شخص برای انتفاع از آن به وجود آورده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۵ و ۳۶).

اثر مهم حقوقی این مبنا، آن است که هرگاه چند علت، زبانی به بار آورند، سرانجام مسئولیت به عهده فردی قرار می‌گیرد که خطاکار بوده و در تقصیر مقدم می‌باشد، چنان چه دو وسیله نقلیه موتوری با هم تصادم کنند و تنها یکی از آن دو راننده مقصر باشد، جبران خسارت برعهده مقصر است و دیگری مسئولیت نخواهد داشت، م ۳۳۵ ق.م نیز بیانگر همین اصل می‌باشد. برخی از حقوق‌دانان شورای نگهبان قانون اساسی، بیان داشته‌اند: نظریه تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی همچنان به‌عنوان مهمترین نظریه در باب مسئولیت مدنی پابرجاست، اما به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی حل و فصل برخی از مسائل از طریق نظریه تقصیر با عدالت و انصاف سازگار نیست و به همین دلیل، در خصوص آن نظریات دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در هر حال، اصل آن است که موضوعات مسئولیت مدنی تابع نظریه تقصیر می‌باشند، مگر آنکه نظریه دیگری در حدودی استثنایی تعیین شده باشد (ره پیک، ۱۳۹۰: ۳۷).

اثر این دیدگاه آن است که اولاً زیان‌دیده باید تقصیر فاعل زیان را اثبات کند، ثانیاً باید در نتیجه تقصیر، زیان وارد آمده باشد و ثالثاً لازم است بین تقصیر و زیان وارده رابطه سببیت برقرار گردد.

مفهوم‌شناسی انفال

در نظام حقوق اقتصادی اسلام، انفال به عنوان مهمترین رهیافت محیط زیست در تصرف دولت است. لذا بررسی نارسایی‌های فنی و تکنولوژیک دولت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در کتاب لسان العرب درباره انفال آمده است: نفل به معنای غنیمت و هبه است و جمع آن انفال و نفال است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۶۷۰).

انفال، واژه‌ای قرآنی: «بستلونك عن الانفال قل الانفال لله و الرسول» (سوره انفال، آیه ۱) و فقهی است که در تفسیر و فقه معانی مختلفی برای آن ذکر شده است.

در فقه شیعه، انفال به اموال خاصی گفته می‌شود که متعلق به رسول خدا (ص) بوده و پس از وی به امام (ع) تعلق دارد (نجفی: ۱۳۴/۱۲) و از آنجا که امامت و ریاست الهی منشأ تملک انفال می‌باشد، از این رو در حقیقت انفال به نوعی اموال امام مسلمین تلقی می‌شود و در عصر غیبت نیز مانند دیگر اموال مربوط به امامت در اختیار نایب عام وی قرار می‌گیرد.

فقه‌های شیعه منابع انفال را به موارد زیر اختصاص داده‌اند:

۱- کلیه اموالی که لشکر اسلام، بدون استفاده از سلاح از کفار به دست آورده باشد؛ چه آن اموال را رها نموده و کوچ نموده باشند و یا خود، آن اموال را به مسلمانان واگذار کرده باشند (همان: ۱۱۶). گرچه برخی از فقها، این مورد را تحت عنوان زمین‌هایی که دشمن بدون جنگ واگذار نموده تعبیر نموده‌اند، لکن به ظاهر ذکر زمین به عنوان مصداق بارز است نه خصوصیت.

۲- کلیه زمین‌هایی از دارالاسلام که موات مانده، یا در قبل آباد بوده و به مرور تبدیل به موات گردیده است، حتی اگر در قبل در تملک اشخاص بوده و سپس حالت موات را پیدا کرده و صاحبان آن، اعراض نموده و آن را به صورت متروکه رها کرده باشند (همان: ۱۱۷ و حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۶۵). اما اراضی موات شده‌ای که صاحبان آن، اعراض ننموده و صرفاً از تجدید احیای آن خودداری کرده باشند (متروکه بودن اعراض) همچنان در تملک صاحبانشان باقی خواهد ماند (همان: ۱۱۸). در چنین مواردی دولت اسلامی می‌تواند به صاحبان چنین زمین‌هایی اخطار نماید که آن را آباد سازند، یا بفروشند.

۳- ثروت‌های طبیعی، مانند: قلّه کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها و مراتع طبیعی و همچنین معادنی که در این نوع منابع طبیعی یافت می‌شود (نجفی: ۱۲۲/۱۲، ۱۲۳، ۱۲۹).

۴- اموال اختصاصی (منقول و غیرمنقول) سلاطین و رؤسای دشمن که در جریان جهاد به دست مسلمانان می‌افتد. همچنین

«توجه به تقصیر، به عنوان منبای مسئولیت، در بنیان‌های نظری ریشه دارد که به خصوص می‌توان به مکتب حقوق فطری و فردگرایی اشاره کرد. نظریه تقصیر، در حقوق داخلی ایران تأثیر داشته و قانون مسئولیت مدنی مصوب (۱۳۳۹) بر مبنای این نظریه وضع شده است و ماده ۷ آن نیز به صراحت از تقصیر نام برده است» (حکمت نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

وی سپس بر اساس ادله فقهی در صدد بیان این دیدگاه است که: «می‌توان مبنای مسئولیت را احترام به اموال دانست که بنا بر مصالحی ممکن است قانونگذار برخلاف اقتضای اصل احترام اموال قواعد خاصی وضع کند» (حکمت نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

در این میان، برخی دیگر از اساتید حقوق نظریه قابل قبول در فقه اسلامی را «نظریه مسئولیت عینی» یا «نظریه خطر» دانسته‌اند، اما مبنای اصلی در نظام حقوقی ایران و قانون مدنی تقصیر است ولیکن در موارد استثنایی تخصیص خورده است (صفایی، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

یکی دیگر از صاحب‌نظران معتقد است: مبنای مسئولیت مدنی در قانون ایران، مبتنی بر مسئولیت عینی می‌باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۷: ۲۰۷). در رویه قضایی نیز از نظریه تقصیر متابعت شده و آنچه بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته، همان نظریه تقصیر است ولیکن تنوع دکترین کاملاً در آرا استادان و صاحب‌نظران مشهود است.

واقعیت آن است که با نمو و رشد توسعه صنعتی از اواخر قرن نوزدهم، خسارت‌هایی که به ویژه در کارگاه‌های صنعتی پدید آمد، موجب شد نظریه تقصیر تأثیر و کارایی خود را از دست بدهد و حقوقدانان برای رفع این معضل، ناگزیر به توسعه مفهوم تقصیر پرداختند و به دنبال فرض اماره تقصیر رفتند و یا فرض عام قراردادی را به‌طور کلی برای این امور تصور نمودند. مشخصه مهم این تحول، در نگرش و تصحیح قوانین فرض مسئولیت عینی و محض بوده است که هم در صنعت و هم در محیط زیست و هم در تولیدات کالا و محصولات مصرفی و فنی به عنوان یک راهبرد مؤثر جریان یافته است.

با توجه به این که تحولات قانونی در قلمرو حقوق، به ویژه در زمینه حقوق محیط زیست و آلودگی‌هایی که موجب تخریب آن می‌شود بسیار پرشتاب و فزاینده است این پرسش مطرح می‌شود که آیا ما می‌توانیم همچنان مبنای تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در حقوق داخلی به عنوان یک اصل عام و مطلق بپذیریم؟ به نظر می‌رسد نظریه تقصیر در زمینه حفاظت از محیط زیست نمی‌تواند جامعیت لازم را داشته باشد و بسیاری از مصادیق خسارت ناشی از تقصیر نیست.

اموال خاصی از غنایم جنگی که به خاطر ارزشمند بودن و یا مفسده داشتن واگذاری آنها به افراد عادی به تصرف امام(ع) و دولت اسلامی درمی آید (همان: ۱۲۵-۱۲۴ و عاملی، ۱۴۰۳: ۳۶۹ و ۳۷۱).

۵- غنایمی که سپاهیان اسلام در جهاد بدون حضور و یا اذن امام(ع) و دولت اسلامی از کفار به دست آورده باشند، جزئی از انفال محسوب شده و به امام(ع) باز گردانده می شود (همان: ۱۲۶ و شیخ انصاری، ۱۳۷۹: ۲۳۱).

۶- میراث کسی که وارثی شرعی از خویشان خود نداشته باشد، در برخی از اخبار از مصادیق آیه انفال به شمار آمده است (همان: ۱۲۸).

۷- زمین هایی که در حال فتح در دارالکفر موات بوده و به دست سپاه اسلام فتح گردیده است. این نوع زمین ها حکم انفال دارد و متعلق به امام(ع) و دولت حق می باشد، هرچند که در بعد به موات تبدیل شده باشد (خویی: ۲۹۷/۲-۲۹۵).

رابطه انفال و محیط زیست

رابطه انفال و محیط زیست چگونه است؟ آیا می توان برای عدم مواظبت از انفال برای دولت مسئولیت مدنی قائل شد؟

با توجه به محتوای احادیث و دیدگاه های فقهی، مواردی نظیر اموال بدون وارث یا مجهول المالک و اموال عمومی غصب شده که مسترد گردیده اند در زمره انفال اند، در حالیکه محیط زیست شامل آنها نمی شود، برخی از مصادیق محیط زیست از انفال به حساب نمی آید، مانند: زمین ها و آب هایی که در تملک خصوصی هستند. بنابراین، رابطه منطقی انفال و محیط زیست به نوعی رابطه عموم و خصوص من وجه است. صاحب جواهر، در مورد مالکیت انفال آورده است: تردیدی نیست که انفال ملک پیامبر و پس از آن حضرت، ملک امام(ع) است و قرآن و سنت و اجماع بر آن دلالت دارد. لذا در عصر غیبت و حضور معصوم، تصرف در انفال بدون اذن پیامبر و یا امام معصوم جایز نیست (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۳۲). حضرت امام خمینی، مقصود از مالکیت پیامبر و امام را، مالکیت تصرف در انفال را اقتضای تصرف در آن می داند به گونه ای که پیامبر و امام حق داشته باشد که بخشی از آن را بنا بر مصلحت، برای خویش استفاده نماید و چنین ولایتی در شرایط غیبت، برای ولی فقیه ثابت است (موسوی خمینی، ۱۴۰۹: ۱/۱۳۰).

مسئولیت مدنی در انفال

برای انفال در عصر غیبت می توان فروض مختلفی را در نظر

داشت، مانند:

۱. به طور کلی و بالاصاله همه چیز مملوک خداوند است و مالک حقیقی اوست.

۲. با اذن خداوند، انفال در اختیار پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) قرار گرفته است.

۳. در زمان غیبت، سرپرستی اموال به عهده ولی فقیه است. از آنجا که ولی فقیه و حاکم اسلامی، در عصر غیبت، از انفال برای مصالح عموم جامعه استفاده می کند ضرر رساندن به آن ضمان آور است.

در کتاب البیع آمده است: انتفاع و بهره برداری از اموال عمومی منوط به رعایت میزان عرفی است و زیاده روی به نحو غیر متعارف حرام و چنان چه اموال مورد اتلاف و ضرر واقع شوند ضمان آور است (خمینی: ۱/۱۲۳). در قانون مسئولیت مدنی و قانون اساسی در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی و تخریب انفال و ثروت های عمومی و عدم مراعات مصالح عامه توسط کارگزاران دولت مواردی تحلیل شدنی است که بدان ها می پردازیم:

تحلیل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی

در این ماده، به سه قاعده مهم اشاره شده است:

هرگاه کارمندان مؤسسات عمومی، به مناسبت انجام وظیفه، از روی عمد یا در نتیجه بی احتیاطی خسارت هایی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارتند. از مفاد این ماده، چنین برمی آید که اصل مسئولیت کارمند را پذیرفته است.

هرگاه خسارت مستند به عمل آنان نباشد و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور می باشد، در این صورت جبران خسارت به عهده اداره یا مؤسسه ذی ربط است. این بخش از ماده، در حقیقت به نوعی رابطه سببیت یا استناد خسارت وارده به فعل خواننده دعوی را بیان می کند.

درباره اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب تضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

در تحولات قانونگذاری در کشور فرانسه که قانون مسئولیت مدنی ایران نیز از آن اقتباس گردیده است؛ در حال حاضر مفهوم اعمال حاکمیت و اعمال تصدی گری حذف شده است، و مسئولیت دولت به طور گسترده؛ حتی در مواردی که تقصیر شخصی که به نحوی با حاکمیت اداری ارتباط دارد موجب خسارت گردد، پذیرفته شده است (صفایی: ۲۰).

مقصود از اعمال حاکمیتی، اعمالی را گویند که دولت در

نقش آمر و فرمانده ظاهر می‌شود و در اعمال تصدی‌گری دولت به کارهایی می‌پردازد که مردم نیز در رابطه خصوصی انجام می‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

تأمین منافع اجتماعی، هدف تمام کارهای دولت است و همه اعمال حاکمیتی را قانون پیش‌بینی نمی‌کند و بیشتر آنها وابسته به تصمیم مأموران قوه مجریه است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا اشخاص حقیقی یا حقوقی و به طور کلی همه کسانی که در یک کشور و تحت حاکمیت یک دولت زندگی می‌کنند، می‌توانند در مواردی که از نهادها و سازمان‌های اداری دولتی زیان می‌بینند برای جبران خسارت درخواست کنند؟ به عبارت دیگر، اصل مورد اتفاق همگان در حقوق خصوصی، مبنی بر جبران خسارت زیان‌دیده، می‌تواند در گستره حقوق عمومی نیز اجرا شود؟

در قانون اساسی ایران، امکان شکایت از دولت پیش‌بینی شده و براساس اصل ۱۷۱، دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات، اعتراضات و تظلمات مردم نسبت به تصمیمات و اقدامات مأمورین، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی است. در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز این مسیر هموار گردیده است. از این رو، می‌توان پذیرفت که در نظام حقوقی ما مسئولیت مدنی دولت، اصل پذیرفته شده‌ای است. در فقه شیعه نیز روایاتی دال بر ضمان دولت وجود دارد، از حضرت امیرالمؤمنین روایت شده است که فرمود: «هرگاه قضات، در قطع عضو و یا قتل دچار خطا شوند، دیه و جبران خسارت آن به عهده بیت‌المال مسلمین است (حرعاملی، ۱۱/۱۰۱۰).

هرچند این روایت، در باب قضا وارد شده است و دلالت صریح بر مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال ناشی از اشتباه دستگاه قضایی و قضات دارد، ولی بدون تردید حیثیت شخصی قضات مورد توجه نبوده است، بلکه آنان به‌عنوان جزئی از کارگزاران دولت مورد توجه قرار گرفته‌اند و آن ملاکی که موجب جعل این ضمان شده است در تمامی نهادهای حکومت اعم از اجرایی و تقنینی نیز وجود دارد؛ زیرا صرف امکان مسئول شناخته شدن دولت در قسمتی از حاکمیت، دلیلی است بر مسئول بودن آن در دیگر بخش‌ها و ورود این روایت در باب قضا به جهت مورد ابتلا بودن مسأله است. حکومت و دولت طرف حقوق و تکلیف قرار می‌گیرد و دارای شخصیتی حقوقی است که ارکان و تشکیلات متعددی دارد و طبیعی است که هرکدام از ارکان آن در هنگام انجام وظایف دچار خطا و اشتباه گردد و موجب ورود خسارت و ضرر و زیان به افراد تحت حاکمیت شوند، در این جهت هیچ رکنی مزیت و ترجیحی نسبت به دیگر ارکان ندارد؛

بنابراین وجود مسئولیت مدنی برای یک قوه و رکن، دلیل آن است که دیگر ارکان نیز دارای مسئولیتند. صاحب جواهر الکلام، در مورد مسئولیت دولت اسلامی در جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی، ادعای عدم خلاف نموده و آورده است: «اگر قاضی دچار اشتباه شود و در نتیجه اشتباه وی خسارتی به دیگری وارد آید، مانند اینکه به نفع کسی به مالی و یا بر ضرر کسی به قصاص و مانند آن حکم کند و سپس معلوم گردد که در حکم خطا رفته، ولی در اجتهاد مقصر نبوده است، ضامن نیست چون محسن است و ضمان به عهده بیت‌المال است (نجفی: ۷۹/۴۰).

از سوی دیگر اطلاق و عموم ادله ضمان نیز که بر حرمت و احترام مال و جسم و روح مسلمانان دلالت دارد، اقتضای ضمان خسارت و ضرری را دارد که عدواناً یا خطاً بر دیگران وارد شده است (انصاری: ۳۷۲).

از حقوق بدیهی و مسلم هر انسانی است که اگر بر اثر تقصیر یا اشتباه شخصی، به وی زیانی برسد، جبران آن را بخواهد، اعم از آنکه وارد کننده زیان، شخص حقیقی و یا حقوقی غیر از دولت و یا اینکه دولت باشد. از آنجایی که اقامه عدل و احقاق حقوق مردم و رعایت انصاف با آنان از وظایف حکومت اسلامی است، باید آنجا که خود موجب ورود ضرر و زیان می‌شود با طیب خاطر آن را جبران کند و البته بدیهی است که این جبران خسارت از اقتدار او نمی‌کاهد، بلکه بر کمال و عزت و محبوبیت دولت می‌افزاید.

عدم رعایت مصالح عامه در انفال

اصل چهل و پنجم قانون اساسی ایران، انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات، معادن، دریاها و دریاچه‌ها، آب‌های عمومی، جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های عمومی و... را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده، تا بر طبق مصالح عامه عمل کند. هم‌چنین، در اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست وظیفه عمومی دانسته شده است و هر گونه فعالیت اقتصادی و غیر اقتصادی که با آلودگی یا تخریب محیط زیست ملازمه داشته باشد، به‌طور صریح ممنوع اعلام گردیده است.

حال سؤال این است که هرگاه حکومت اسلامی که مجاری امور را به دست قوای سه‌گانه سپرده است، به وظایف خود مبنی بر حفاظت از محیط زیست و یا عدم رعایت مصالح عامه در انفال و ثروت‌های عمومی عمل نکرد و محیط زیست و انفال خسارت دید، آیا اشخاص حقیقی یا حقوقی از باب وظیفه عمومی می‌توانند دولت را به جبران خسارت ملزم نمایند؟

اساس اندیشه مسئولیت مدنی دولت از اطلاق ماده ۳۳۲ قانون مدنی قابل دریافت است. «مسئولیت دولت به علت خسارت‌هایی

که کارمندان یا کارگران او به اشخاص وارد می‌کنند زیاد هم با قوانین موضوعه ما بیگانه نیست و اساس این فکر، یعنی مسئول قرار دادن شخص برای خطا و کاری که دیگری کرده است، در ماده ۳۳۲ قانون مدنی پیش‌بینی گردیده است، اما عدم صراحت این ماده و نقایصی که در آن وجود داشت سبب شده بود که دایره تفسیر قضاوت دادگستری صرفاً محدود به روابط افراد بوده و در روابط افراد و دولت در روابط غیر قراردادی دولت کمتر حکم به محکومیت دولت صادر گردد (مؤتمنی طباطبایی: ۱۳۹-۱۳۸). به دلیل همین عدم صراحت در قانون مدنی و برای رفع نقص آن، در سال ۱۳۳۹ قانون مسئولیت مدنی به صراحت مسئولیت مدنی دولت را شناسایی نمود و با تصویب آن، راه‌های جبران خسارت توسط دولت در موارد خارج از قرارداد پیش‌بینی گردید و از مسئولیت مدنی برخی نهادهای دولت سخن به میان آمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اصل مسئولیت مدنی دولت به صراحت در قانون اساسی مورد پذیرش قرار گرفت. اصل ۱۷۱ قانون اساسی دولت را به جبران خسارت و اعاده حیثیت از متهم موظف نموده است. روشن است که مقصود از دولت در اصل مذکور، مفهوم عام آن است که دربردارنده قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه و در حقیقت همه نهادهای رسمی و عمومی کشور است. بدیهی است که اصل مذکور، تصریح به مسئولیت مدنی قوه قضائیه دارد و حال آنکه از آن به دولت تعبیر شده است، این درحالی است که دولت به معنای عام شامل قوه قضائیه می‌شود نه به معنای خاص.

اصل ۱۷۳ قانون اساسی هم شکایت از دولت را پذیرفته است. در تبصره ۱ ماده ۱۰ و ماده ۱۲ قانون جدید تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بر مسئولیت مدنی و ضمان مالی نیز تأکید شده است که تصدیق تخلف در دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد و صدور رأی مبنی بر جبران خسارت در دادگاه‌های عمومی انجام می‌شود.

بند یک ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت مسئولیت مدنی دولت را پذیرفته است. مقصود از نقص و سائیل که در ماده مزبور استعمال شده آن است که اداره مجهز به وسایل یعنی تدابیر و ترتیبات و روش‌های صحیح اداری و سازمانی برای انجام کار نبوده و این امر موجب سوء جریان اداری و در نتیجه منجر به وقوع خسارت شده باشد. به عبارت دیگر، سازمان‌ها و ادارات در تجهیز خود به وسایل صحیح کار که وجود یک تشکیلات و مدیریت صحیح و منظم آن را ایجاب می‌کند، مرتکب اشتباه و تقصیراتی شده باشند. در این موارد، می‌توان نتیجه گرفت که سازمان‌های اداری و دولت بر «طبق

مصالح عامه» و حفظ ثروت‌های عمومی و انفال و حفاظت از آنها تدابیر، تصمیمات و تجهیزات لازمه را به‌کار نبرده، و خسارت متوجه آنها گردیده است، خسارتی که یا به اتلاف و مستقیم بوده و یا به تسبیب، بنابراین باید خسارت را جبران نمایند.

خطای اداری و سازمانی دولتی می‌تواند به صورت‌های متعددی باشد؛ خطای اداری ممکن است عبارت از تقصیری باشد که مقصر یعنی عامل آن را نتوان به‌طور معین و منجز مشخص و معلوم نمود؛ یعنی تقصیر به نحوی باشد که در حقیقت بتوان آن را به اداره و یا مؤسسه - دولت - اسناد داد و آن را مقصر واقعی شناخت. این قبیل تقصیرات، ممکن است به صورت‌های زیر باشد:

۱ عدم انجام وظایف اداری (عمل منفی اداره): یعنی خسارت ناشی از اداره، یا مؤسسه‌ای که وظایف خود را انجام نداده و در واقع مرتکب تقصیر و یا سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی گردیده است، مانند: عدم نصب علائم خاص مناطق حفاظت شده محیط زیستی و مراتع و جنگل‌ها.

۲ انجام ناقص وظایف اداری (عمل مثبت اداره): در این مورد، مؤسسه یا اداره، کار خود را انجام داده ولی آن طور که شایسته بوده کار سامان نیافته است، مانند عدم دقت در حفاری تونل‌ها و یا تسطیح و زیرسازی خیابان‌ها و اتوبان‌ها.

۳ تأخیر در انجام وظایف اداری: اداره وظیفه خود را انجام داده، ولی انجام آنها به موقع نبوده است و در نتیجه خسارت به انفال و محیط زیست وارد شده است. مانند مراقبت دیر هنگام از خشک شدن دریاچه و یا ترکیدگی یک سد و یا جنگل‌های بلوط.

۵ خطای اداری ناشی از عدم توانایی هیأت حاکم باشد. یعنی پیدایش ضرر، ناشی از مواردی باشد که خارج از حیطه اقتدار یک نظام حکومتی است. به‌طور مثال، عدم توانایی در تولید دستگاه‌ها و تجهیزات مدرن برای جلوگیری از ریزش سد، ناتوانی در سم‌پاشی جنگل، عدم اصلاح هندسی تونل‌ها و مسیرهای راه‌آهن یا مترو و یا در تحریم قرار گرفتن یک کشور، برای وارد کردن تجهیزات پیشرفته برای جلوگیری از ورود خسارت، در این موارد به نظر می‌رسد که به نوعی شرایط اضطراری حاکم است و دولت باید تمامی اقدامات و احتیاط‌های لازم را برای جلوگیری از ورود ضرر پیش‌بینی و به اطلاع عموم مردم نیز برساند. بنابراین دولت همانند اشخاص حقیقی در موارد اضطراری فاقد مسئولیت است.

۶ در بند دوم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اقدامات دولت برای اعمال حاکمیت و خسارت ناشی از آن را، قابل جبران

جبران خسارت زیست محیطی را نیز بدین منوال می‌توان تأسیس و پیش‌بینی نمود.

مفهوم شناسی قاعده لاضرر و لاضرار

یکی از قواعد معروف فقهی که آثار زیادی در فقه و حقوق دارد، قاعده لاضرر است. در اعتبار سندی این روایت اختلافی وجود ندارد و برخی فقها بر آن ادعای تواتر نموده‌اند (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۲). ارتباط قاعده مزبور، با موضوع مسئولیت مدنی، بر این مبنا استوار است که بتوان از قاعده لاضرر ضمان قهری را استنباط نمود.

موافقین استفاده مسئولیت مدنی از قاعده لاضرر، چند دیدگاه اصلی را بیان کرده‌اند:

نهی ضرر غیر متدارک

این دیدگاه از طرف فاضل تونی مطرح گردیده است. وی در توجیه مبنای خود آورده‌اند: «در روایت لاضرر، نفی ضرر بر معنای حقیقی‌اش حمل نمی‌شود، چون ضرر نفی نشده است، بلکه ظاهراً مراد این است که ضرر بدون جبران به حسب شرع نفی شده است» (تونی، ۱۴۱۲: ۱۹۳ و ۱۹۴).

مبنای این استدلال، مبتنی بر آن است که در خارج و عالم واقع ضررهای فراوانی واقع می‌شود، پس به ناچار باید گفت منظور از نفی ضرر، ضرر بدون جبران است. در نتیجه هر ضرری دارای جبران است و تعهد به جبران همان مسئولیت مدنی است. این استدلال، مورد نقد و چالش جدی قرار گرفته است. شیخ انصاری، این احتمال را ناموجه‌ترین قرائت از حدیث لاضرر دانسته است؛ زیرا ضرر خارجی با حکم شرع به لزوم تدارک، نازل منزله عدم نخواهد شد (انصاری، ۱۳۷۹: ۴۵۳) و آنچه با معنای حقیقی مناسب است «ضرر متدارک» است نه «حکم به لزوم تدارک ضرر» (همان: ۴۵۴)، بنابراین وقتی می‌توانیم بگوییم ضرر وجود ندارد که وارد کننده ضرر، آن را جبران کرده باشد، اما هرگاه در قانون مقرر گردیده باشد که شخص وارد کننده ضرر، ملزم به پرداخت خسارت است، نمی‌توان گفت ضرر وجود ندارد.

اثبات مسئولیت از طریق تلازم

این مبنا را صاحب عناوین بیان کرده است. وی بر این باور است که کلمه «لا» در معنای نهی به کار رفته است و اگر هم «لا» برای نفی باشد کلماتی نظیر مباح، مجوز و مشروع مقدر شده‌اند که در

دانشسته و دولت را معاف از پرداخت خسارت می‌داند. معنای عبارت «دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود...» می‌تواند این باشد که اگر دولت بخواهد می‌تواند خسارت را نیز بپردازد. ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی جدید نیز پرداخت خسارت از بیت‌المال را به نوعی تأیید کرده است.

از صورت‌بندی موارد مذکور، می‌توان اینگونه استنتاج نمود که هرگاه دولت در انجام وظایف قانونی و محوله خویش، نظیر: حفاظت از محیط زیست و جنگل‌ها، انفال و ثروت‌های عمومی مطابق مصالح عامه عمل ننماید و موجب آلودگی، تخریب و خسارت محیط زیست گردد، شهروندان و عموم مردم براساس اصول ۴۵، ۵۰، ۱۷۱ و ۱۷۳ قانون اساسی، ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی، نصح صریح ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و نیز مفهوم مخالف آن مبنی بر اینکه هرگاه دولت، اقداماتی که بر حسب ضرورت باید برای تأمین منافع اجتماعی به عمل آورد و لیکن اقدامات مزبور را انجام ندهد و موجب تضرر گردد، مجبور به پرداخت خسارت خواهد بود.

هم‌چنین، براساس نصوص فقهی و اطلاق و عموم قواعد فقهی، نظیر: قاعده لاضرر و اتلاف و تسبیب و قاعده اقوی بودن سبب از مباشر، دولت باید خسارت ناشی از آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست، انفال و ثروت‌های عمومی را جبران کند. وقتی براساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کسی که مسئول نگه‌داری و مراقبت و مواظبت از فرد صغیر بوده و آن صغیر مرتکب خسارت گردد، فرد نگه‌دارنده را مسئول جبران خسارت تلقی کرده است، آیا دولت‌ها که براساس قانون اساسی مسئول حفاظت و مراقبت از محیط زیست، انفال و ثروت‌های عمومی است را نمی‌توان به علت عدم مراقبت و عدم رعایت مصالح عامه، مسئول جبران خسارت وارده دانست؟ آیا مصلحت یک جامعه از مصلحت یک صغیر کمتر است؟

البته مشکل این است که جبران خسارت توسط دولت چگونه خواهد بود، راهکار قانونی موجود بدین نحو است که ماده ۳۴ قانون آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۴ بدان پرداخته که درآمدهای حاصل از پرداخت جرائم و غرامت‌ها مربوط به آلودگی باید به حساب خزانه واریز و پنجاه درصد آن، صرف رفع معضلات زیست محیطی بشود و یا مواد ۲۵۵ و ۲۵۸ و ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای جبران خسارت‌های وارده کمیسیون ملی را پیش‌بینی کرده است که خسارت‌های وارده بر اشخاص را که توسط مراجع دادگستری وارد می‌گردد برآورد و پرداخت نمایند و پس از جبران خسارت، دولت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه نماید و مبالغ پرداختی را اخذ کند. بنابراین، صندوق ملی

این صورت نیز حتی اگر «لا» را نافیه بدانیم، معنای تحریم و منع از آن دریافت می‌شود (مراغی، ۱۴۱۷: ۳۱۱).

وی سپس در ادامه می‌افزاید که: «اگر در خسار ضرری واقع شود تنها حکم به حرمت اضرار معضلی را حل نمی‌کند بلکه باید مسیری برای رفع ضرر ارائه گردد» (همان: ۳۱۷). برخی از علمای حقوق غربی نیز بر این مسأله توجه کرده‌اند و در قاعده ممنوعیت ضرر گفته‌اند «قاعده اول در حکم قاعده پایه است و دلالت بر ممنوعیت اضرار می‌کند و قاعده دوم که بر پایه قاعده اول بنا شده بیانگر این حکم است که اگر ضرری واقع گردد باید آن را جبران نمود. تعهد اول Primary Obligation و تعهد دوم تعهد را Secondary Obligation و یا تعهد جبرانی گویند (faure, 2012: 255).

مرحوم مراغی در ادامه نتیجه‌گیری می‌نماید که: اضرار حرام است و اگر نقصی بوجود آمده در صورت جبران، دیگر اضرار نخواهد بود بنابراین، چنین نتیجه گرفته می‌شود که ابقا بر حالت ضرر که در قدرت و اختیار شخص وارد کننده ضرر بوده، اضرار حرامی بوده است. از این رو، لازمه سخن، وجوب رفع ضرر توسط وارد کننده ضرر خواهد بود (همان: ۳۱۹).

بر اساس این دیدگاه، اگر جایی ضرر واقع شد، به مقتضای ادله لاضرر پی می‌بریم که چیزی به عنوان رافع ضرر به نحوی که دیگر ضرر صدق نکند، وجود دارد؛ زیرا اگر چنین رافعی وجود نداشته باشد، به معنای وقوع و جواز ضرر است، حال آنکه مفروض انگاشتیم، در شریعت اسلام حکم ضرری نفی شده است.

اثبات مسئولیت مدنی از طریق شمول قاعده لاضرر نسبت به عدم حکم

شیخ انصاری معتقد است لاضرر، نفی حکم است ابتدائاً. بی‌شک قاعده لاضرر، مربوط به حوزه تشریح و قانونگذاری است. مصادق بارز تشریح، قواعدی است که توسط قانونگذار و شارع وضع شده است. حال مفاد این قواعد وضع شده، ممکن است فعل یا ترک فعل باشد. در برابر این دسته از قواعد، حوزه‌ای وجود دارد که شارع در آن قانونگذاری نکرده است، حال اگر از ناحیه احکام اعتباری شارع، ضرر حاصل می‌شود، قاعده لاضرر آن حکم را نفی خواهد کرد (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۹). بنابراین، شیخ انصاری و تابعان آن بر این باورند که اثبات مسئولیت مدنی از ادله لاضرر، همانگونه که احکام وجودی را در برمی‌گیرد، احکام عدمی را نیز شامل می‌گردد. شیخ انصاری، احکام عدمی را حکم مجعول شرعی نمی‌داند و معتقد است، حتی اگر شارع

در سخنی عدم حکمی را بیان کند، ماهیت سخن اخبار است نه انشاء (همان: ۱۱۹)، البته این دیدگاه در سایر نظام‌های حقوقی هم مطرح است، اگر قانونگذاری برای عنوانی حکمی وضع نکرده، نمی‌توان گفت آن عنوان از حوزه نظام حقوقی آن کشور خارج است.

نفی حکم به لسان نفی موضوع ادعائاً

این نظریه را مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه بیان کرده است (خراسانی: ۷۲/۲).

یعنی در عالم واقع و خارج می‌بینیم که موضوعات ضرری وجود دارند، سپس ادعا می‌کند که موضوع ضرری نیست، وقتی موضوع نبود، حکم هم ادعائاً منتهی می‌شود مثل لاشک لکثیر الشک، کثیرالشک واقعاً شک می‌کند، ولی ادعائاً می‌گوییم شک وجود ندارد.

نظر شیخ انصاری با دیدگاه آخوند خراسانی دو تفاوت دارد، نخست آنکه در مبنای آخوند خراسانی، لاضرر حکومت واقعیه دارد بر ادله اولیه تزییقاً از جانب موضوع، اما بر مبنای شیخ اعظم لاضرر حکومت واقعی دارد بر ادله اولیه تزییقاً از جانب محمول. دوم اینکه بر اساس نظر آخوند خراسانی اگر نفس حکم ضرری بود، ولی موضوع ضرری نبود، این قاعده پیش نمی‌آید. طبق نظر شیخ انصاری، اگر نفس حکم ضرری بود این حکم از صفحه تشریح برداشته می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۸: ۲۳۷/۲).

نهی حکومتی

امام خمینی (ره) معتقدند که لاضرر، نهی از ضرر می‌کند و نه نفی. ایشان معتقدند که پیامبر اکرم (ص) سه شأن داشته‌اند؛ شأن رسالت و نبوت، شأن حکومت و زعامت و شأن قضایی و فصل خصومت. هر جا و در هر مسأله‌ای که مسأله قضاوت با فعل امر آمده باشد، حکم حکومتی تلقی می‌گردد، مگر آنکه قرینه‌ای برخلاف آن یافت شود. امام خمینی، در مباحث تهذیب‌الاصول می‌فرمایند: وقتی ثمره از حکم رسول خدا تخلف کرد، نیاز به تأدیب پیش آمد. آن وقت رسول اکرم برای حفظ نظام جامعه به قطع درخت به او دستور دادند، یعنی در حوزه حکومت من هیچ‌کس حق ندارد به دیگری ضرر بزند (خمینی، ۱۳۶۷: ۱۲۴/۳). برخی بر این دیدگاه نقد نوشته‌اند و بیان داشته‌اند که نهی دانستن برخلاف موازین ادبیات عرب است، چون لا بر سراسم نکره دلالت بر نفی جنس دارد و لسان لاضرر از باب حکومت نیست بلکه از باب تخصیص است، یعنی کلیه احکام

و عموماً و اطلاعات با لاضرر تخصیص می‌خورند بدین معنی که جمیع احکام حجت هستند تا زمانی که ضرری نداشته باشند (بجنوردی، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

بحث و نتیجه‌گیری

از تأمل و تحقیق در موضوع مسئولیت مدنی در نظام حقوق موضوعه ایران، به طور کلی چنین استنباط می‌گردد که نظریه تقصیر برای مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست جامعیت و کارایی لازم را ندارد. نظریه تقصیر، مربوط به جوامع سنتی است که با اقتضائات جامعه در حال پیشرفت ایران متناسب نیست. مهمترین ایرادهای وارد بر آن عبارتند از این که اولاً ارزیابی خسارت‌های زیست محیطی بسیار دشوار است، ثانیاً اثبات رابطه آلودگی‌ها و خسارت‌های زیست محیطی مشکل و در برخی موارد غیر ممکن می‌باشد. ثالثاً قربانیان خسارت‌های زیست محیطی انگیزه بسیار کمی برای پیگیری و مطالبه خسارت‌های زیست محیطی دارند. رابعاً در بسیاری موارد، محیط زیست مال خصوصی نیست و لذا شرط تحقق مسئولیت مدنی، یعنی نقض حقوق مالکیت فردی فراهم نیست. از این رو، نظریه تقصیر در خسارت‌های زیست محیطی به نحوی است که در عمل، اثبات تقصیر را غیر مقدور و به تبع آن امکان جبران خسارت را به دنبال نخواهد داشت.

به هر حال، پیوستن ایران به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی، نظیر: کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی دریایی که در آن به صراحت مسئولیت مدنی آلودگی زیست محیطی را مبتنی بر نظریه مسئولیت محض دانسته است و الزام‌آور بودن آن، برای کشورهایی که بدان ملحق شده‌اند و تصریح ماده ۹ قانون مدنی، مبنی بر این که معاهدات بین‌المللی در حکم قانون داخلی مصوب مجلس شورای اسلامی است لزوم انطباق و تدوین مقررات جامع برای رژیم حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌ها و خسارت‌های زیست محیطی مبتنی بر مسئولیت محض را دوجندان نموده است.

منابع

بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۸۷). حقوق مدنی ۱، چاپ اول. تهران: نشر میزان.
 موسوی بجنوردی، سعید محمد. (۱۳۸۸). فقه مدنی ۲، چاپ دوم. تهران: مجد.

بو تکیل، دانیل. (۱۳۸۱). شناخت محیط زیست. ترجمه عبدالحسین وهاب زاده. چاپ اول. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). اسلام و محیط زیست. چاپ ششم. قم: اسرا.

حکمت نیا، محمود. (۱۳۹۰). مبانی مسئولیت مدنی. چاپ دوم. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ره پیک، سیامک. (۱۳۹۰). حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها. چاپ هفدهم. تهران: نشر خرسندی.

صفایی، سید حسین. (۱۳۹۰). مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. تهران: میزان.

..... (۱۳۸۵). «مسئولیت مدنی مؤسسات حقوقی». دوره جدید مجله حقوق تطبیقی. شماره ۱. ۵۸-۳۸. تهران: دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی. چاپ ششم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

مومنی طباطبایی، منوچهر. (۱۳۹۰). حقوق اداری تطبیقی. چاپ دهم. تهران: نشر میزان.

معین، محمد. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی. چاپ بیست پنجم. تهران: انتشارات امیر کبیر.

ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). لسان العرب. الطبعة الاولى. نشر ادب الحوزة.

انصاری، مرتضی. (۱۳۷۹). المکاسب. چاپ اول. قم: نشر مؤسسه مطبوعات دینی. (۱۴۱۴). رسائل الفقهية. چاپ اول. قم: الموقرالمئوی.

..... (۱۳۸۵). رسالة في قاعدة لاضرر. چاپ اول. قم: نشر علامه. الحرالعلمی، شیخ محمد حسن. (۱۴۰۳). وسائل الشیعة. چاپ اول. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

تونی، فاضل. (۱۴۱۲). الوافية في اصول الفقة. چاپ اول. قم: مجمع الفکر الاسلامی. خوبی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۷). مصباح الفقهة. چاپ سوم. قم: نشر انصاریان.

الحسینی مراغی، سیدمیر عبدالفتاح. (۱۴۱۷). العناوین. الطبعة الاولى. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

موسوی الحینی، سیدروح الله. (۱۴۰۹). تحریرالوسیلة. الطبعة الثالث. قم: دارالکتب العالمية اسلامیان.

..... (۱۴۰۹). البیع. الطبعة الثاني. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

تقریر جعفر، سبحانی. (۱۳۶۷). تحذیب الاصول. قم: نشر دارالفکر.

نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام. چاپ هفتم. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹). الفواعد الفقهية. چاپ اول. قم: نشر الهادی.

آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۳۶۳). کفایة الاصول. چاپ سوم. تهران: چاپ اسلامیه.

- ابن قدامه، موفق الدين عبدالله ابن احمد. (۱۴۰۵). البرهان. الطبعة الاولى. بيروت: دار الاحيا التراث العربي.
- التراث العربي. عاملی، محمد مکی (شهيد اول). (۱۳۸۵). الدروس الشرعية في فقه الاسلاميه. چاپ دوم. مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه.
- Baker, P. (2002). *Fantabulosa: A dictionary of Polari*. London: Continuum.
- European Commission. (2002). "Proposed EU Directive Environmental Liability". Accessed 11 October 2014 from: www.eur-lex.europa: p.14.
- Faure, Michael; Wang, Hui. (2003). "The International Regime for the Compensation Of Oil Pollution Damage: Are They Effective?" Accessed 10 October 2014 from: www.SSRN.com: 1086576/ P 272.
- Faure, G. Michael. (2012). "Environmental law". Accessed 12 October 2014 from: www.SSRN.com: 1503405/P 255.
- <http://ec.europa.eu/environment/legal/liability/>. 30/10/2014.
- International Convention on Civil Liability for oil pollution Damages*. (2005).